



## المراقبات میرزا ملکی تبریزی - مراقبات دهه اول ذی الحجه

### فضیلت دهه اول ذی حجّه

یاد خدا

یکی از این توقفگاهها ده روز اول آن است. و منظور از «ایام معلومات در این آیه: «و اذکروا لله فی ایام [مَعْدُودَاتٍ] . و خدا را در روزهای معین یاد کنند.» [۱] نیز همین است. و «یاد» و «غفلت» با هم سازگاری ندارند. پس بپرهیز از این که در این ماه دل خود را بنجاسات آلوده نمایی، بخصوص با نافرمانی.

ذکر کامل که در آیه بالا آمده این است که با عقل، روح، دل و بدن در ذکر خدا باشی، زیرا هر کدام از آنها ذکر مخصوصی دارند. این فرصت را غنیمت شمار که خداوند به تو اجازه ذکر خود را داده است. در عقل خود این را از نعمتهای بزرگی بدان که عمرت برای ادای شکر آن کافی نبوده، روح را در مقام حضور حاضر کن که گویا حاضر در نشستگاه صدق نزد پادشاه مقتدر می‌باشد. با دل خود به بندگی او و شکر نعمتهای بی‌منتهای او روی آور، و با تمام اعضای بدنت مشغول انجام عبادات و طاعات شو. اگر خدا را این گونه ذکر کردی، مژده بده که چنین ذکر، علامت این است که خداوند تو را در تمام وجودت و با تمام وجودت ذکر نموده و برای بار دوم بخاطر پاداش چنین ذکر، تو را در تمام این موارد ذکر خواهد نمود. زیرا خدای متعال ذاکرین را دوبار ذکر می‌نماید.

روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیرامون فضیلت این روزها

درباره روایتی که پیرامون فضیلت این روزها از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است بیندیش، آنجا که فرمودند:

هیچ کدام از روزها نزد خدا بهتر و پاداشش بیشتر از روز عید قربان نیست.



شخصی گفت: حتی جهاد در راه خدا؟

فرمودند: حتی جهاد در راه خدا مگر، فردی که با جان و مال خود به جهاد رفته و همه را در راه خدا بدهد. [۲]  
و آنجا که فرمودند: روزهایی نیست که عمل صالح در آن محبوبتر باشد نزد خدای عز و جلّ از این ده روز -  
یعنی ده روز ذی حجه.

گفتند: ای رسول خدا حتی جهاد در راه خدا؟

فرمودند: حتی جهاد در راه خدا مگر فردی که با جان و مالش در راه خدا جهاد کرده و جان و مال خود را فدا  
نماید.

این دو روایت بخصوص روایت دومی را بنگر. آنچه را خدا بزرگ می‌داند تو نیز بزرگ بدان. آمادگی کامل پیدا  
نموده و با تمامی نشاط و شوق و دعا و توسل به نگهبانان امت، بخصوص در شب اول، وارد این میدان شو. در  
تضرع خود به در کرم آنان بخواه که تو را در قصد، حزب، دعا، حمایت، ولایت، شفاعت و شیعیان خود وارد  
نموده، به درگاه خدای متعال برای توفیق، قبول، رضایت او از تو، تأیید، اصلاح و تمام خیرهای دینی و دنیوی  
و آخرتی برای تو و خانواده‌ات، برادران دینی، همسایگان و کسانی که حقی بگردن تو دارند، تضرع نمایند.

### وقایع مهم روز اول ذی حجه

نیز شیخ روایت کرده است که این روز، روزی است که خلیل در آن متولد گردیده و خداوند ابراهیم علیه  
السلام را بدوستی خود انتخاب فرمود. و روزی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابو بکر را مأمور  
خواندن سوره براءت بر مشرکان نمود. در همین حال بر پیامبر وحی شد که این آیه را جز تو یا مردی که از  
خودت باشد نباید به مشرکان برساند. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام را  
مأمور کرده و به دنبال ابی بکر فرستادند تا آیات را از او گرفته و خودش آن را بخواند و ابو بکر را بازگرداند.



علی علیه السلام نیز چنین کرد.

درباره وقایعی که در این روز اتفاق افتاده اندیشه نما تا نکاتی را که در این وقایع وجود دارد درک نمایی. و برای توضیح بیشتر در این زمینه می توان به کتاب «اقبال» مراجعه نمود.

## اعمال روز اول ذی حجه

روزه

روز اول آن را روزه بگیرد. در «الفقیه» روایت شده است:

«کسی که روز اول ذی حجه را روزه بگیرد، خداوند روزه هشتاد ماه را برای او می نویسد».

نماز فاطمه زهرا علیها السلام

مستحب است در روز اول نماز فاطمه زهرا علیها السلام خوانده شود .

## کیفیت نماز حضرت زهرا السلام الله علیها

این نماز چهار رکعت است با یک بار «حمد» و پنجاه بار «قل هو الله احد» که بعد از نماز تسبیح حضرت زهرا علیها السلام گفته می شود و نیز گفته می شود: سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلَةِ فِي الصَّفَا، سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا لَا هَكَذَا غَيْرُهُ [۳].

## اعمال دهه اول ذی الحجه

نماز شبهای دهه اول



در هر شب از آن بین مغرب و عشا دو رکعت نماز بجا آور، در هر رکعت آن سوره «فاتحه الكتاب» و «اخلاص» و این آیه را بخوان:

وَ وَاَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ اَتَمَمْنَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ قَالَ مُوسَى لِاَخِيهِ هَارُونَ اَخْلَفْنِي فِي قَوْمِي وَ اَصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ .

تا در ثواب با حاجیها شریک شوی، گرچه حج نکرده باشی.

در هنگام قرائت این آیه شریفه از خود بپرس که این وعده چیست؟ حسرت و شوق خود را برای دیدار خدا افزایش داده و از خاسرین (ضررکنندگان) مباش

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَى مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَ هُمْ يَحْمِلُونَ اَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ اَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ .

«کسانی که دیدار خدا را انکار نمودند و آنگاه که قیامت فرا رسد، گویند: وای بر ما که آسایش و سعادت این روز را از دست دادیم. آنان بار گناهان خود را بدوش می کشند و چه بار بدی.»

درباره روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که در آن شوق حضرت موسی علیه السلام به این وعده گاه را بیان نمودند، بیندیش آنجا که فرمودند:

«در چهل روز رفت و آمد خود بخاطر اشتیاقی که به دیدار خداوند داشت، نخورد، نیاشامید و نخوابید.»

### سایر اعمال دهه اول

بعد از نماز صبح و مغرب، در تمام این روزها خواندن دعایی که اول آن «اللهم ان هذه الايام التي فضلتها علي غيرها» می باشد نیز مستحب است.

از مهمترین اعمال این ماه، عمل به روایت زیر است: شیخ مفید از امام ابو جعفر علیه السلام نقل کرده اند که فرمودند:



خداوند توسط جبرئیل پنج هدیه در ده روز اول این ماه برای عیسی بن مریم علی نبینا و آله و علیهما السلام فرستاده و فرمود: عیسی با این پنج دعا، دعا کن زیرا در روزهای ده گانه یعنی ده روز ذی حجه عبادتی محبوبتر از آن نزد خداوند نیست.

اول: «اشهد أن لا اله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد بيده الخير و هو على كل شيء قدير.»

دوم: «اشهد أن لا اله إلا الله وحده لا شريك له، أحدا صمدا لم يتخذ صاحبة و لا ولدا.»

سوم: «اشهد أن لا اله إلا الله وحده لا شريك له، أحدا صمدا لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا أحدا.»

چهارم: «اشهد أن لا اله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك و له الحمد يحيى و يميت و هو حي لا يموت بيده الخير و هو على كل شيء قدير.»

پنجم: «حسبى الله و كفى سمع الله لمن دعا ليس وراء الله منتهى أشهد لله بما دعا و أنه برىء ممن تبرأ و ان لله الآخرة و الأولى.»

حواریون از عیسی علیه السلام پرسیدند: ای روح الله کسی که این کلمات را بگوید چه پاداشی دارد؟

فرمود: کسی که صد بار، اولی را بگوید زمینیان عملی بهتر از عمل او در آن روز ندارند و در روز قیامت خوبیهای او از همه بندگان بیشتر خواهد بود

و کسی که دومی را صد بار بگوید گویا تورات و انجیل را دوازده بار خوانده و پاداش آن را بدست آورده باشد.

عیسی علیه السلام پرسید: ای جبرئیل ثواب آن چیست؟

گفت: هیچ فرشته‌ای در آسمان‌های هفتگانه قدرت حمل یک حرف از تورات و انجیل را ندارد مگر این که من و اسرافیل برانگیخته شویم زیرا او اولین بنده‌ای است که لا حول و لا قوة الا بالله گفت.



و کسی که صد بار، سومی را بگوید، خداوند بخاطر آن برای او ده هزار نیکی نوشته، ده هزار گناه او را پاک کرده، ده هزار درجه او را بالاتر برده و هفتاد هزار فرشته را که دستهای خود را بلند کرده و بر کسی که آن را گفته است صلوات می فرستند، فرود می آورد.

عیسی گفت: جبریل، ملائکه جز بر پیامبران بر کسی دیگر صلوات می فرستند؟

جبریل گفت: کسی که به آنچه از سوی خدا توسط پیامبران آمده است ایمان آورده و تغییر نکند، پاداش پیامبران به او داده می شود.

و کسی که صد بار، چهارمی را بگوید فرشته ای که با خدا ارتباط دارد او را می یابد آنگاه خداوند به گوینده آن با نگاه رحمت می نگرد.

و کسی که خدا با نگاه رحمت به او بنگرد، بدبخت نخواهد شد.

عیسی گفت: جبریل ثواب پنجمی چیست؟

او گفت: این دعای من است و من اجازه ندارم آن را برای تو توضیح بدهم.

کاش می دانستم آیا این پاداشها فقط برای خواندن این دعاهاست یا شرطی هم دارد؟ روایت شده است که

امام رضا علیه السلام در راه طوس فرمودند:

کسی که لا اله الا الله بگوید، بهشت برای او خواهد بود. آنگاه فرمود: بشرط آن و شرایط آن و من یکی از شرایط آن می باشم.

بنابراین، این دعاها نیز حتما شرایطی دارد و از شرایط قطعی آن این است که گوینده حتما معتقد به آنچه

می گوید، باشد. و من معنی این کلمات را می گویم، بین معتقد به آن می باشی یا نه؟ معنی «اله» «پناه بردن» می باشد بنابراین «اله» بمعنی پناه است.



معنی «شهادة» نیز حاضر شدن است، بنابراین معنی «شهد ان لا اله الا الله» این است که من شاهدم که پناهی در وجود جز خدا نیست. «له الملك و له الحمد» یعنی کسی مالک چیزی نیست جز خدا، خیر، نعمت و فضیلتی نیست مگر برای خدا و در خدا و یعنی تمامی عالم ملک خدا بوده و هیچکس خیر و فایده‌ای ندارد مگر خدا.

### قطع امید از غیر خدا

بنا بر این کسی که اعتقاد دارد که پناهی جز خدا نیست چگونه در کارهای خود به غیر خدا پناه برده و به خداوند پناه نمی‌برد؟ کسی که در کارهای مهم یا دیگر کارهای دنیوی پدر خود را پناهگاه دانسته و به مال دنیا بیشتر اعتماد داشته و دلش با آن بیشتر آرامش می‌یابد تا با وعده‌های خدا در کتابش، در حالی که خداوند وعده‌های خود را با سوگند نیز تأکید نموده است، چگونه می‌تواند ادعا کند که پناهی جز خدا سراغ ندارم. کسی که اعتقاد دارد تمامی دارائیه‌ها از آن خداست، چرا بدون اجازه او در آن دخل و تصرف می‌کند. و چرا توقع دارد دیگران آن را به او بدهند؟ و چرا برای او سخت است که دارایی خدا به مصرف بندگان و روزی خورهای او برسد؟ کسی که معتقد است تمام نیرو، توانایی، عزت و قدرت از آن خداست چرا انتظار دارد دیگران نیازهای او را برآورند. چرا از دیگران می‌ترسد؟ چرا دیگران را آسیب رسان یا سود رسان می‌داند؟ و چرا بخاطر رضایت کسی بر خلاف رضایت خدا عمل می‌کند؟ خلاصه اگر کسی به مضمون شهادتی که در این دعاست معتقد باشد، در کس نفع و ضرری ندیده و مردم در نظر او مانند اشیاء بی‌جان هستند. وقتی که در ظاهر خیری از کسی ببیند فقط خدا را شکر می‌کند.

و آنگاه که از کسی ضرری یا مصیبتی ببیند می‌داند که خداوند بخاطر کار بدش او را مجازات نموده و خود او باعث شده است. ولی کسی که خیر را در دنبال دنیا رفتن دیده و برای برآورده شدن نیازهایش فقط به آن اعتماد می‌کند، خیر و سعادت را نیز در دارایی اغنیاء دیده و به جهت دنیای اغنیاء و پادشاهان از آنان چاپلوسی کرده، برای بدست آوردن مال و مقام با دستورات الهی مخالفت می‌نماید، با بدست آوردن مال خوشحال و با



از دست دادن آن اندوهگین می‌شود، در سختیها و حوادث ناگوار به غیر خدا پناه برده، به وعده‌های خداوند در مورد رزقش اطمینان نداشته - با این که خداوند در این مورد سوگند خورده است - و در حوادث ناگوار امیدش به غیر خداست چنین کسی در چنین شهادتی مانند منافق است که خداوند شهادت به دروغگویی او می‌دهد.

در اینجا حیف است حدیث قدسی که در کتاب کافی در این باب روایت شده است را نیاورم. در این کتاب آمده است «حسن بن علوان» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

در مجلس مذاکره علمی بودیم، و من خرجی خود را در سفر گم کرده بودم.

یکی از دوستان گفت: چه کسی می‌تواند مشکل تو را حل کند؟

گفتم: فلانی.

گفت: او مشکل تو را حل نمی‌کند، امیدت، ناامید می‌گردد و به مقصود نمی‌رسی.

گفتم: خدا تو را رحمت کند، از کجا می‌داند؟

گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمودند که در کتابی خوانده است که خداوند متعال می‌فرماید: «قسم به عزت و جلال و مجد و ارتفاع من بر عرشم، بلا شک امید هر کسی را که به غیر من امیدوار شود حتما قطع می‌کنم، و بدون تردید و حتما لباس خواری نزد مردم به او می‌پوشانم، و یقینا و بطور قطع او را از قرب خود کنار می‌زنم، و بی‌تردید و بلا شک او را از پیوستن به خودم دور می‌کنم. در حالی که سختیها در دست من است امید او در سختیها به دیگران و به دیگران امیدوار است. و در دیگران را می‌کوبد در حالی که کلید درها در دست من بوده و درها هم بسته است، و در من برای کسی مرا بخواند باز است. کیست که در حوادث ناگوار به من امید بسته و من امید او را برای برطرف شدن ناگواریش قطع کرده باشم کیست که برای کار مورد علاقه‌اش به من امیدوار شده و من امید او را از خود قطع نموده باشم. تمام آرزوهای بندگان نزد من محفوظ است ولی آنان به حفظ من راضی نشدند. آسمان‌های خود را پر از کسانی نمودم که از تسبیح من خسته





نمی‌شوند و به آنان دستور دادم درها را بین من و بندگانم نبندید ولی بندگان به سخن من اعتماد نکردند. آیا نمی‌داند اگر حادثه‌ای از حوادث ناگوار من به او برسد کسی جز من نمی‌تواند آن را برطرف کند؟ آیا من که قبل از درخواست عطا می‌کنم، فکر می‌کند اگر از من درخواست شود خواسته او را نمی‌دهم آیا من بخیلیم که بندهام مرا بخیل می‌داند آیا جود و کرم، مال من نیست آیا عفو و رحمت بدست من نیست آیا محل آرزوها نیستم چه کسی غیر من آرزوها را قطع می‌کند آیا امیدواران نمی‌ترسند که به غیر من امیدوار می‌شوند اگر اهل آسمان‌ها و زمین‌هایم همگی آرزو کنند و به هر کدام از آنان باندازه تمام آنچه همگی آرزو کرده‌اند، بدهم باندازه جزء ذره‌ای از داراییم کم نمی‌شود. و چگونه مالی که من سرپرست اویم کم می‌شود چه بیچاره‌اند کسانی که از رحمتم مأیوس هستند. چه بدبختند کسانی که از دستوراتم سرپیچی کرده و مرا در نظر ندارند».

ای مسکین، وعده‌های این حدیث و استدلال‌ها و عظمت آن را بنگر که بزرگتر از آسمان‌های هفتگانه و عرش بزرگ خداست. از خود بپرس آیا می‌توانی قدرت، حکومت، و ملک او را که در این حدیث آمده و این که سختیها بدست او، کلید درها در دست او و در او برای کسانی که او را بخوانند باز است را انکار کنی؟ آیا در این باره در قرآن سخن نرفته و برای دعا کردن به درگاه او دعوت نشده‌ای؟ آیا به تو نفرموده است که به کسانی که به درگاه او دعا کنند نزدیک بوده و کسانی که او را صدا بزنند پاسخ می‌دهد؟ آیا کسی را دیده‌ای که در حوادث و کار مهمی به او امید بسته ولی امیدش را ناامید کرده باشد؟ می‌پنداری که در گذشته آرزوی بهبودی وضعیت در شرایط سخت را از خدا داشته ولی خدا تو را به آرزویت نرسانیده و امید داشتی که او نیازهایت را برآورد اما تورا ناامید کرده است. اگر چنین چیزی هم باشد بخاطر این است که آرزوی تو دروغین و امید تو غیر صادقانه بوده است.

اگر به او امیدوار بودی، در پی رضایت او حرکت کرده و از خشم او می‌گریختی. زیرا امید و آرزو دو عمل قلبی هستند که از سه چیز سرچشمه می‌گیرند، آگاهی از توانایی، آگاهی از کرم و آگاهی از عنایت. آنگاه که این



سه در قلب بوجود آمدند انسان در دل توقع برخورداری از کرم و خیر را پیدا می‌کند، که این توقع امید نامیده می‌شود. و همین توقع اگر ضعیفتر باشد، آرزو نامیده می‌شود.

و کسی که از قادری انتظار عنایت داشته و توقع کرم او را داشته باشد، مراقب او بوده، در مقابل او تواضع کرده و چاپلوسی می‌کند. و باندازه‌ای که امید افزون شده و کسی که به او امیدوار شده بزرگتر باشد - بخصوص اگر امیدهای او فراوان و غیر قابل شمارش بوده و امیدوار برای وجود، بقا، سلامتی و تمام امور زندگی به بعضی از چیزهایی که امید بسته نیازمند باشد - مراقبت، تملق، تواضع و تلاش برای بدست آوردن رضایت او و گریز از خشم او بیشتر می‌شود. سرشت انسان چنین بوده و بنده نعمتها می‌باشد. همانگونه که همیشه مردم در مقابل ثروتمندان و بخشنده‌گانی که به آنها امیدوار باشند، این گونه هستند.

علاوه بر این، بحکم ایمان و تجربه دریافته‌اند که دل این آفریده‌ها فقط به دست خدا بوده و هرگونه که بخواهد او را دگرگون می‌کند.

خلاصه اگر انسان به قدرت، کرم و عنایت شخصی یقین پیدا کند، فطرتا برای او تواضع نموده و در حال اختیار از او نافرمانی نمی‌کند.

بنابراین مخالفت با خدای متعال بخاطر ضعف ایمان و فقدان یقین است.

منبع: المراقبات میرزا ملکی تبریزی، ترجمه ابراهیم محدث بندرریگ، صفحه ۴۲۲ تا ۴۳۷